

■ **در دوره ریاست جمهوری رجب‌طیب اردوغان، نوعثمانی گرای مبنای سیاست خارجی ترکیه شد.** از همین رو پشتیبانی بحث‌برانگیز ترکیه از نظامیان آذربایجان در مناقشه ۲۰۲۰ هم در این منطق معنا می‌یابد و همانند مناقشات دیگر، انکارا رقبای اصلی خود را نه مقامات ارمنستان، بلکه تهران و مسکو می‌بیند

چگونه در مهم‌ترین جنگ قره‌باغ که باعث تغییر جغرافیای منطقه قفقاز شد، دیپلماسی دولت روحانی موفق عمل نکرد؟

تعلل دیپلماسی



ارتباط بین استپاناکرت (خالکندی) و ارمنستان را میسر خواهد کرد. جمهوری آذربایجان، ایمنی تردد شهروندان، خودروها و کالاها در طول کریدور لاجین در هر ۳ جهت را تضمین می‌کند. طبق این توافق، ۲ طرف متعهد شدند همه محوره‌های مواصلاتی اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه را رفع انسداد کنند. همچنین جمهوری ارمنستان به منظور سازمان‌دهی تردد بدون مانع شهروندان، خودروها و کالاها در هر دو جهت، ارتباط حمل‌ونقلی بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را فراهم می‌کند. همچنین کنترل ارتباطات حمل‌ونقلی با روسیه خواهد بود. با این وجود این توافق ایهاماتی را درباره منافع کشورمان ایجاد کرده است که دستگاه سیاست خارجی کشور باید آنها را رفع کند.

■ **تروریست‌های تکفیری**
دغدغه ایران تغییرات جغرافیایی جدیدی است که در مرز به وجود آمده و پای عناصر تکفیری-تروریستی را به منطقه باز کرده

است. این مساله از خطوط پررنگ قرمز تهران در مناقشه اخیر ۲ همسایه شمالی کشورمان محسوب می‌شود که حتی رهبر انقلاب نیز نسبت به آن هشدار داده‌اند و ایران نباید در این باره کوتاه بیاید. با تثبیت وضع فعلی، وضعیت نیروهای تکفیری که توسط ترکیه به آذربایجان گسیل داده شدند و حضور این نیروها در منطقه بویژه در نزدیکی مرزهای ایران یک چالش امنیتی برای ایران به وجود خواهد آورد.

■ **نخجوان**

از دیگر نکات مهم مفاد توافق ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای کشورمان، توافق درباره نخجوان است. بر این اساس، ارمنستان پذیرفته از نخجوان، کانالی از داخل خاک ارمنستان عبور کند و به آذربایجان برسد. سوال این است: ترتیب عبور این گذرگاه و تعیین مسیر به چه شکلی خواهد بود و آیا احیانا دالان اتصالیی نخجوان به جمهوری آذربایجان، با همکاری‌های گمرکی و تجارت زمینی

نمره مردودی وزارت امور خارجه در بحران ۴۴ روزه قره‌باغ



مشترک، مرادوات تجاری میان ۳ کشور و اهمیت استراتژیک و ژئواستراتژیک منطقه ناگورنو-قره‌باغ، دارای اهمیت زیادی برای ما بوده، هست و خواهد بود.

ایران از همن سال‌های ابتدایی وقوع تنش و جنگ بر سر قره‌باغ یکی از طرف‌های میانجی بوده است تا جایی که وساطت ایران در سال ۱۹۹۲ میلادی به «بیانیه تهران» بر سر قره‌باغ ختم شد. این بیانیه جزو نخستین توافقی‌های رسمی درباره قره‌باغ بین باکو و ایروان بوده است که با عنوان بیانیه مشترک سران کشورها در تهران شناخته می‌شود.

اما آیا در مهم‌ترین جنگ واقع‌شده در قره‌باغ که باعث تغییر جغرافیای آن پس از ۳ دهه شد و بخش‌هایی از خاک این سرزمین ۲ طرف جابه‌جا شد، دیپلماسی ایران موفق عمل کرد؟ از زمان شروع آخرین درگیری نظامی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ششم مهرماه ۹۹، کشورهای مختلفی از جمله روسیه، آمریکا، فرانسه و سازمان همکاری اروپا برای توقف درگیری‌ها و گرفتن ابتکار عمل برای حل‌وفصل سیاسی بحران وارد عمل شدند. تلاش‌های رئیس‌جمهور و وزیر خارجه روسیه بلاخره نوزدهم مهرماه باعث حصول توافق آتش‌بس شد. پس از آن آمریکا و کشورهای دیگر وارد صحنه شدند و با دعوت مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا از وزرای خارجه باکو و ایروان، توافق آتش‌بس دیگری میان طرفین منعقد شد. در مجموع ۲ بار توافق آتش‌بس طی جنگ ۴۴ روزه اخیر برقرار شد. هر چند این توافق‌ها هیچ کدام دوامی نداشت‌ اما کشورهای واسطه نظیر روسیه به خاطر طرح‌هایی که از سال‌های پیش تهیه و تدوین کرده بودند و دیپلماسی فعالی که در این زمینه داشتند، موفق

■ **مهدی گدگانی:** درگیری نظامی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ آنگذر به جغرافیای کشور ما نزدیک بود که حتی از روی پشت‌بام روستاهای ما آتش‌بار ۲ طرف قابل مشاهده بود. شاید بتوان گفت مهم‌ترین و حساس‌ترین بحران چند دهه اخیر که در نزدیکی مرزهای ما میان ۲ کشور خارجی رخ داده، بحران قره‌باغ است.

جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ پس از نقض ۳ آتش‌بس بالاخره با تصرف شوش، دومین شهر بزرگ قره‌باغ و بازپس‌گیری بسیاری از مناطق جبهه جنوبی توسط ارتش جمهوری آذربایجان و گروه‌های شبه‌نظامی تحت‌الحمایه ترکیه با میانجیگری روسیه به پایان رسید. تحلیل محتوای این توافقی هر چند در مجموع روی امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران تاثیر زیادی خواهد گذاشت اما موضوع این مطلب نیست بلکه قصد داریم دیپلماسی و تحرکات سیاسی ایران و وزارت امور خارجه دولت تدبیر(و امید) را در این مناقشه مورد بررسی قرار دهیم.

■ **اهمیت تاریخی قره‌باغ برای ایران**

اشتراکات فرهنگی، زبانی و وابستگی‌های تاریخی میان ایران با جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان و منطقه قره‌باغ بر کسی پوشیده نیست. از همین رو ایرانی‌ها همواره با دقت تحولات حاکم بر منطقه قره‌باغ و تنش‌های میان ۲ طرف را دنبال کرده‌اند. قره‌باغ محل جنگ میان نیروهای ایرانی و امپراتوری روس در سال‌هایی از قرون ۱۸ و ۱۹ بوده است. حتی عهدنامه «گلستان» دوشنبه ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی در پی پایان جنگ‌های ایران و روس در دوره قاجار در روستای گلستان در شمال قره‌باغ کنونی امضا شده است. علاوه بر اهمیت تاریخی، حضور اقوامی با تبار ایرانی، مرزهای

جنگی که استحال شد

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجه ترکیه هم به مرور دستخوش تغییر شد. سیاست خارجی ترکیه تا پیش از این مقطع متأثر از کالیامش بود که بر خالص‌سازی نژادی ترک و گرایش به بلوک غرب تکیه می‌کرد اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و خصوصا در دوره ریاست‌جمهوری رجب‌طیب اردوغان، نوعثمانی‌گرایی مبنای سیاست خارجی ترکیه شد. نوعثمانی‌گرایی به دنبال احیای خلافت پرشکوه عثمانی و تسلط بر مناطق تحت نفوذ سابق است. حضور پررنگ آنکارا در مناقشات سوریه و لیبی و رقابت آن با تهران و مسکو، در این چارچوب بیان می‌شود. پشتیبانی بحث‌برانگیز ترکیه از نظامیان آذربایجان در مناقشه ۲۰۲۰ هم در این منطق معنا می‌یابد و همانند مناقشات دیگر، آنکارا رقبای اصلی خود را نه مقامات ارمنستان، بلکه تهران و مسکو می‌بیند که منافع قابل توجهی در جمهوری ارمنستان دارند.

ب) اسرائیل: آن‌طور که گزارش‌های متعدد به روشنی بیان می‌کنند، اسرائیل و آذربایجان در دوره ریاست الهام علی‌اف و خصوصا طی سسال‌های اخیر به متحدان نزدیک یکدیگر تبدیل شده‌اند. همکاری این دو محدود به تجارت تسلیحات نظامی نیست، بلکه در حوزه‌های کشاورزی، علمی، بهداشت و درمان و… هم. این رابطه نزدیک مشاهده می‌شود. همچنین طبق گزارش گروآلم پست، اسرائیل ۴۰ درصد نفت خود را از آذربایجان تأمین می‌کند.

علاوه بر تصریحات مقامات آذری همچون وینار الین سلیمیانف، سفیر آذربایجان در واشگتن با بنیاد یهودی امور امنیت ملی (JINSA)، معامله اسلحه میان آذربایجان و اسرائیل نشانه دیگری از هم‌پیمانی در مساله قره‌باغ است. مطابق گزارش موسسه پژوهش‌های صلح بین‌المللی استکهلم، رژیم صهیونیستی طی سال گذشته به‌تنهایی حدود دوسوم (۶۱ درصد) تمام تسلیحات وارداتی آذربایجان را تأمین کرده است. در میان تسلیحات صادراتی ۵095 DPICM هم مشاهده می‌شود. Harop و بمب خوشه‌ای M995 مطابق نظیر پهپاد انتحاری IA۱ صدارت اسلحه‌از سوی اسرائیل به آذربایجان می‌تواند‌نشانه سود بالای این تجارت برای تل‌آویو و بالطبع علاقه‌مندی‌اش به درآوم جنگ باشد اما ارمنستان از بازار اسلحه اسرائیل بی‌بهره است و

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹
وطن‌امروز | شماره ۳۰۹۵

سیاست

شیطنت اردوغان در باکو

«رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور

ترکیه که برای شرکت در مراسم رژه نظامی نیروهای جمهوری آذربایجان به مناسبت اتمام اشغال منطقه «قره‌باغ کوهستانی» توسط



ارمنستان، به باکو سفر کرده بود، با اظهارات تحریک‌آمیز جنجال‌ساز شد. اردوغان که در این مراسم به همراه «الهام علی‌اف» شرکت کرده بود، بیتی از یک شعر جدایی‌طلبانه درباره رود ارس در مرز ایران و جمهوری آذربایجان را علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران خواند. رئیس‌جمهور ترکیه در نشست خبری مشترک با الهام علی‌اف سخنان خود را با قطعه‌ای از ترانه معروف «آراز» آغاز کرد. اردوغان خطاب به مردم آذربایجان گفت: «ارس را جدا کردند و آن را با سنگ پر کردند- من از تو جدا نمی‌شدم، ما را زور جدا کردند». این اظهارات با واکنش‌های منفی در تهران مواجه شد. «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه در صفحه توئیتر خود نوشت: «به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خوانده مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادری‌شان ایران است.»وی ادامه داد: «آیا اونفهمید که علیه استقلال جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟ هیچ کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم به سخنان

تحریک‌آمیز اردوغان در مراسم رژه پیروزی ارتش جمهوری آذربایجان در باکو، اینگونه واکنش نشان داد: «اگر آقای اردوغان از خواندن شعر ارس منظورش مایران بزرگ است، درست است، زیرا آذربایجان در قلب ملت ایران و در کنار برادران دیگریش از قوم ل و کرد و بلوچ و عرب قرار دارد. اگر نظرش تکرار تجربه شکست خورده داعش در سوریه است، حرف غلطی است.» به اعتقاد کارشناسان، این شیطنت

اردوغان در راستای توسعه‌طلبی‌های وی و همین‌طور تحت فشار قرار دادن رژیم باکو مطرح شده است. اگرچه دولت علی‌اف باید پاسخگویی این‌گنده‌گویی اردوغان باشد و ایران یک پاسخ قاطع به این رفتار غیردوستانه نشان دهد اما کارشناسان می‌گویند این شیطنت رئیس‌جمهور ترکیه نباید اولویت‌های اصلی ایران در حوزه سیاست خارجی را تحت‌الشعاع قرار دهد. بویژه اینکه در شرایط فعلی، مسائل منطقه‌ای بویژه مسأله انتقام از رژیم صهیونیستی به خاطر ترور شهید فخری‌زاده در اولویت قرار دارد.

کرد. این توافق پاشنه‌های آشیل زیادی دارد و نمی‌توان بسادگی بحران قره‌باغ را تمام‌شده خواند. اختلافات گسترده موجود، حضور احتمالی نظامیان ترکیه در مناطق ارمنی‌نشین قره‌باغ و احتمال مداخله مجدد برخی عوامل خارجی دیگر مست است توافق را در عمل وارد فازهای دیگری کند. از زمان اعلام توافق آتش‌بس، دولت فرانسه مسائلی را در مخالفت با توافق عنوان کرده است و امانوئل مکرون حتی به صورت تلفنی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در همین زمینه رایزنی کرده است. از سوی دیگر تغییر دولت آمریکا طی چند هفته آینده و احتمال رویکرد تازه واشگتن در سیاست خارجی، ممکن است مجددا بازی را وارد مرحله جدیدی کند.

اما آنچه در حال حاضر فوری‌ترین تهدید برای امنیت ملی ما محسوب می‌شود، حضور نیروهای تکفیری در مناطقی است که تحت کنترل جمهوری آذربایجان در آمده است. بالطبع ارتباطات تنگاتنگ میان ترکیه و دولت آذربایجان و حضور نظامیان ارتش ترکیه در مناطقی تازه آزادشده از یک سو و حضور تکفیری‌ها و عناصر شبه‌نظامی خارجی و ارتباطات با فرمانبرداری این عناصر از ترکیه از سوی دیگر، تهدیدبات تازه‌ای را در جغرافیای نزدیک ما به وجود آورده است. دستگاه سیاست خارجی ما باید قبل از اینکه دوباره دیر بشود از عدم حضور این نیروهای خطرناک در اطراف مرزهای اطمینان و تضمین خود کند.

ایسران می‌تواند با همه طرف‌ها- باکو، ایروان، مسکو و حتی آنکارا- وارد رایزنی شود تااز منافع مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران در توافق قره‌باغ اطمینان حاصل و در صورت وجود تهدید، اقدامات لازم را در برابر آن اتخاذ کند.

فروش اسلحه به آذربایجان منجر به فراخوان اعتراض آمیز سفیر ارمنستان در اسرائیل به ایروان شد. همین امر نشان می‌دهد هدف اسرائیل در جنگ قره‌باغ صرفا تجارت اسلحه نیست و تلاش است باکو، متحد خود در منطقه، را به پیروزی برساند.

آنچه از پشتیبانی اسرائیل از آذربایجان دریافت می‌شود، این است که منافع تل‌آویو فراتر از تجارت اسلحه در منطقه است، زیرا تجارت اسلحه تنها با یک طرف مناقشه انجام می‌شود و طرف دیگر مناقشه به‌رمع نیاز شدید به اسلحه، از معامله آن با اسرائیل محروم است. همچنین منافع اسرائیل فراتر از تحکیم موقعیت خود در آذربایجان و در نزدیکی ایران است، چراکه چنین جایگاهی پیش از این نیز وجود داشت و دستاورد جدیدی محسوب نمی‌شود. چیزی که دستاورد جدیدی برای تل‌آویو محسوب خواهد شد آن است که تنش خود با ایران را از همسایگی خاک خود دور کرده و به مرز ایران منتقل کند. اسرائیل با این پشتیبانی موفق خواهد شد منطقه تنش را به همسایگی ایران منتقل کند و موقعیت جغرافیایی خطر را به مرز ایران بکشد. به عبارت دیگر، اسرائیل با پشتیبانی از جنگ قره‌باغ، عمق استراتژیک خود را شدیدافزایش می‌دهد و تنش را به مرزهای ایران می‌کشد.

در مجموع آنچه از حضور این ۲ بازیگر جدید (ترکیه و اسرائیل) در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ مشاهده می‌شود آن است که اهداف این دو رقبای اهداف سابق یعنی بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده آذربایجان نیست، بلکه نوعثمانی‌گرایی آنکارا و افزایش عمق راهبردی تل‌آویو در صدر اهداف این درگیری قرار دارد. به همین جهت هرگونه آتش‌بس یا طرح میانجی‌گری، موقتی و شکننده خواهد بود.

■ **نویسنده:**

- The Principle of Self-determination
- The Principle of Territorial Integrity
- Exclave
- Buffer Zone
- Landlocked
- Strategic Depth